

بررسی تطبیقی آموزه‌های مشترک انجیل و روایات عیسوی فریقین

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۳

ابوالفتح عزیزی ابرقویی^۱
 کاظم قاضی زاده^۲
 مهدی مهریزی^۳
 محمدعلی ایازی^۴

چکیده

روایات معصومان علیهم‌السلام تعالیم برخاسته از وحی الهی و از جمله حاوی زوایای مختلفی از زندگانی حضرت عیسی علیه‌السلام هستند. این روایات عیسوی به دلیل دربرداشتن آموزه‌های متعدد اعتقادی و عملی، مطمح نظر بسیاری از اندیشمندان مسلمان و مسیحی بوده و در پژوهش‌های خویش از آن‌ها بهره گرفته‌اند؛ اما به دلیل پراکندگی آن‌ها در منابع متعدد روایی، تاریخی و غیره فریقین، تاکنون کسی موفق به استخراج همه آموزه‌های آن‌ها نشده است. بی‌تردید استخراج آموزه‌ها و بررسی تطبیقی آن‌ها با انجیل اربعه (متی، مرقس، لوقا و یوحنا) که مورد اعتماد مسیحیان و حاوی آموزه‌های مسیح علیه‌السلام هستند می‌تواند منجر به کشف اشتراکات متعدد و زمینه‌گفتمان بین ادیانی شود. این نوشتار سعی دارد با مقایسه این دو میراث اسلامی و مسیحی ضمن ارائه‌نمایی کلی از آموزه‌های مشترک، و با کمک آمار، میزان فراوانی این اشتراکات را در موضوعات مختلف به تصویر کشیده و تحلیل و بررسی کند.

کلیدواژه‌ها: انجیل اربعه، روایات عیسوی، آموزه‌ها، اشتراک، حضرت عیسی علیه‌السلام.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران. abolfath7@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول) (ghazizadeh_kazem@yahoo.com).

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران. toosi217@gmail.com

۴. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران. ayazi1333@gmail.com

طرح مسأله

انجیل یکی از کتاب‌های آسمانی است که مشتمل بر تعالیم حضرت عیسی علیه السلام است. قرآن در آیات متعدد از انجیل سخن گفته و از آن با عناوین «کتاب»، «نور» و «هدایت» یاد می‌کند.^۵ این کتاب بعد از حضرت عیسی مکتوب گردیده و مسیحیان به آن اعتقاد داشته و آن را منبع اصلی آموزه‌های دینی خود می‌دانند. کتاب مقدس مسیحیان دربرگیرنده موضوعات متعدد اعتقادی، اخلاقی و احکام دین مسیح علیه السلام است. براساس دستور قرآن کریم، مسلمانان نیز به عیسی علیه السلام و انجیلش اعتقاد داشته و به شریعت او احترام می‌گذارند. قرآن کریم ضمن الزام به اعتقاد به انبیای الهی و آنچه بر آنان نازل شده، مسلمانان را به گفتمان بین ادیانی تشویق می‌کند تا زمینه تحقق کلمه «أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ»^۶ فراهم شود.

براین اساس، شواهد تاریخی نشان می‌دهد پژوهش‌های علمی - تطبیقی قرآن با انجیل سابقه‌ای به درازای عصر نزول تا دوره معاصر دارد؛ اما با توجه به پراکندگی و تعدد روایات عیسی علیه السلام، تطبیق آن‌ها با انجیل بسیار اندک صورت گرفته و زمینه‌ساز اختلاف شده است تا جایی که طریف خالد مسیحی آن‌ها را «انجیل مسلمین» می‌خواند و ادعا می‌کند روایات مجزا از انجیل‌اند.^۷ مسیحیان آموزه‌های قرآن و احادیث را درباره حضرت عیسی علیه السلام گزارش‌هایی افسانه‌ای می‌دانند که بهره‌ای از واقعیت ندارند؛^۸ حال آن‌که با بررسی‌های انجام شده روایات اسلامی از آموزه‌های مشترک متعددی با انجیل برخوردارند و این مقاله قصد دارد آن‌ها را به تصویر بکشد.

ضرورت این پژوهش آن است که اولاً، آموزه‌های مشترک دیده می‌شود؛ ثانیاً، با جامع‌نگری موجب کاهش تعارضات و تفسیر به رای‌های اسلامی - مسیحی می‌شود؛ ثالثاً، بستر گفتمان همدلانه و پیشرفت اعتقادی می‌شود.

مبنای این تحقیق روایات سه کتاب: ۱. حکمت‌نامه عیسی بن مریم به قلم محمد محمدی ری‌شهری، ۲. الروایات حول المسيح بین السنة والشیعة نوشته مهدی منتظرالقائم، ۳. الانجیل بروایة المسلمین نوشته طریف خالد است که با حذف مکررات بیش از یک‌هزار و

۵. سوره مریم، آیه ۳۰؛ سوره آل عمران، آیه ۴۸.

۶. سوره آل عمران، آیه ۶۴.

۷. الانجیل بروایة المسلمین، ص ۳۰ و ۴۱-۴۲.

۸. «عیسی در روایات الکافی در مقایسه با عیسی در مسیحیت».

صد روایت‌اند که به نظر می‌رسد حاوی تمامی احادیث شیعه و سنی درباره عیسی علیه السلام و انجیل هستند. این روایات، در این مقاله «روایات عیسوی» نام گرفته‌اند.

روش نوشتار حاضر بر این بوده است که ابتدا اناجیل اربعه (متی، مرقس، لوقا، و یوحنا) بررسی شده و آموزه‌های آن استخراج و دسته‌بندی شوند. سپس این کار درباره تمامی روایات عیسوی نیز صورت گیرد و پس از آن، آموزه‌های مشابه مقایسه و تحلیل شود. این کار به صورت کتابخانه‌ای و با توصیف و تحلیل آماری صورت گرفته و با توجه به این‌که تا کنون کسی به بررسی و مقایسه این حجم از روایات با انجیل نپرداخته، این پژوهش در نوع خود بدیع است. شایسته ذکر است با توجه به قرابت روایات با مفاهیم قرآنی و استناد علما به آن‌ها این نوشتار بنا بر صحت آن‌ها گذاشته، هر چند بررسی‌های اسنادی روایات عیسوی کاری ارزشمند و ضروری است که تا کنون انجام نشده است، اما از مجال این مقاله خارج بوده و پژوهشی جدا می‌طلبید.

هدف اصلی این پژوهش بررسی و تحلیل میزان اشتراکات روایات عیسوی با اناجیل اربعه است و سؤال اصلی آن است که: آیا در بین روایات عیسوی و اناجیل اربعه آموزه‌های مشترک وجود دارد؟ اگر چنین مشترکاتی وجود دارد در چه موضوعاتی و به چه میزان است؟

آمار آموزه‌های انجیل و روایات اسلامی

محتویات این مقاله مبتنی بر تحلیل موضوعی و دسته‌بندی آموزه‌های انجیل و روایات به صورت همزمان و ارائه آمار و تحلیل نتایج براساس آن است. به طور کلی، آموزه‌های اناجیل و روایات عیسوی به سه قالب اصلی و مشترک اعتقادات، اخلاق و احکام قابل تقسیم‌اند. بخش اعتقادی شامل سه دسته از آموزه‌های توحید، نبوت و معاد است. بخش دوم به تعالیم اخلاقی مسیح علیه السلام که به ابعاد فردی و اجتماعی و معرفی رذایل اخلاقی تقسیم می‌شود. بخش سوم به احکام اختصاص یافته است.

در زیر ابتدا آمار آموزه‌های این دو سنت را ارائه کرده و پس از آن براساس طبقه‌بندی موضوعی، هر بخش را تحلیل و بررسی خواهیم کرد. جدول زیر بیان‌گر مواضع طرح یک موضوع است و با حذف مکررات تنظیم شده است.

جدول ۱ آموزه های انجیل

ردیف	موضوعات	تعداد
۱	توحید و صفات خدا	۳۳
۲	نبوت	۳۷
۳	معاد	۱۱
۴	معجزه	۲۱
	اخلاقی (مجموعاً)	۱۱۵
۵	ایمان به خدا و پیامبرش	۱۲
۶	محبت به خدا	۲
۷	محبت به عیسی	۳
۸	محبت به خلق	۳
۹	توبه	۵
۱۰	دعا	۶
۱۱	رعایت حرمت برادر	۳
۱۲	حق همسایه	۱
۱۳	اخلاص در نماز و روزه	۴
۱۴	احترام به والدین	۲
۱۵	عفو و گذشت	۷
۱۶	صدقه	۶
۱۷	پرهیز از ذایل (جمعا)	۲۴
۱۸	کذب	۳
۱۹	ریا	۷
۲۰	خیانت	۱
۲۱	دزدی	۳
۲۲	طمع	۲
۲۳	حسد	۱
۲۴	عیبجویی	۱
۲۵	بدزبانی	۲
۲۶	خیانت و مکروه شهوت پرستی و کفرو غرور و جهالت.	۱
۲۷	قتل	۳
۲۹	قسم	۱
۳۱	شهادت دروغ	۴
۳۲	زنا	۲
۳۳	نگاه حرام	۳
۳۴	قصاص	۲

جدول ۲ روایات عیسوی به تفکیک موضوع

۱۱	توحید	۱
۳۵	معاد	۲
۶۵	عقیدتی و عبادی	۳
۱۵	نبوت	۴
۴۴	ولادت عیسی	۵
۱۱	کیفیت خلقت	۶
۲۳	اوصاف عیسی	۷
۳	شریعت	۸
۲۷	جانشینان و حواریون	۹
۳۸	بنی اسرائیل	۱۰
۳۱	صعود به آسمان	۱۱
۲۵	نزول و بازگشت	۱۲
۵	مسیح در قیامت	۱۳
۸	زهد عیسی ﷺ	۱۴
۱۴	ادعیه و مناجات	۱۵
۱۷۵	کارها بین مردم	۱۶
۵۳۶	اخلاق	۱۷
۶۹	علم آموزی و حکمت	۱۸
۴۱	حدیث قدسی	۱۹
۱۱	برگرفته از انجیل	۲۰

آموزه‌های اعتقادی اناجیل اربعه

این بخش شامل توحید، نبوت و معاد است که بر اساس اهمیت به آن‌ها می‌پردازیم.

اعتقاد به خدا و توحید در انجیل

توحید اساسی‌ترین پیام عیسی ﷺ و اهمیت آن به قدری است که به عنوان اولین حکم انجیل یاد می‌شود. عیسی ﷺ خدای ابراهیم، اسحاق، یعقوب و دیگر پیامبران را یکی می‌داند و می‌فرماید: «اول همه احکام این است که بشنوای اسرائیل یَهُوَه خدای ما یَهُوَه واحد است». انجیل مشتمل بر صفات خداست. او واحد، دانا، هدایت‌گر، مالک آسمان‌ها، قابل ستایش، عادل، بخشنده و قاضی الحاجات است. او را محالی نیست و قادر است که از سنگ‌ها فرزندان برای ابراهیم برانگیزاند. غایب از نظر و عالم نهان و آشکار، آمرزش‌گر

گناہان، مالک روز جزا، پاداش دہندہ و کیفرکنندہ است.^۹

توحید در روایات اسلامی

روایات عیسوی نیز یگانگی و اسماء و صفات الہی را مکرراً بہ تصویر می‌کشند. تکلم عیسی علیہ السلام در نوزادی نمونہ بارز آن است:

اللَّهُمَّ، أَنْتَ الْقَرِيبُ فِي عَلْوِكَ، الْمُتَعَالُ فِي دُنُوكَ، الرَّفِيعُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مِمَّنْ خَلَقَكَ أَنْتَ الَّذِي خَلَقْتَ سَبْعًا فِي السَّمَوَاتِ بِكَلِمَاتِكَ مُسْتَوِيَاتٍ طِبَاقًا أَجْبَنَ وَهَنَّ دُخَانٌ مِّنْ فَرْقِكَ، فَأَتَيْنَ طَائِعَاتٍ لِأَمْرِكَ^{۱۰}...

این روایت حاوی بیش از چهل مورد افعال و صفات الہی است. مناظرہ عیسی علیہ السلام با شیطان از مشترکات دو سنت است کہ شیطان با وسوسہ هایش عیسی علیہ السلام را بہ انحای مختلف، خدا می‌خواند، اما وی تمام آن‌ها را مردود می‌شمارد:

یا عیسی، أَنْتَ الَّذِي بَلَغَ مِنْ عَظْمِ رُبُوبِيَّتِكَ أَنْ تَكُونَتْ مِنْ غَيْرِ آبٍ؟ قَالَ عِيسَى علیہ السلام: بَلِ الْعَظْمَةُ لِلَّذِي كَوْنِي، وَكَذَلِكَ كَوْنُ آدَمَ وَحَوَاءَ^{۱۱}...

در این روایت نسبتاً طولانی شیطان، بدون پدر بہ وجود آمدن حضرت عیسی علیہ السلام، ساختن پرنندگان از گل، شفای بیماران، زنده کردن مردگان، عبور از دریاها را - کہ از معجزات حضرت عیسی علیہ السلام بود - دستاویز خود قرار دادہ و ربوبیت را بہ ایشان نسبت دادہ، وی را بہ شرک فرامی‌خواند؛ اما این پیامبر الہی آنچه از ولادت تا کنون بہ دست آورده و مراحل رشد و کمالش را نتیجہ قدرت الہی دانستہ و با تسبیح و تقدیس و ستایش خدا شیطان را طرد می‌کند.

از امام باقر علیہ السلام نقل شدہ کہ جبرئیل علیہ السلام در ایام دہہ پنج دعا برای عیسی علیہ السلام آورد و گفت:

ای عیسی، این پنج دعا را بخوان؛ زیرا هیچ عبادتی نزد خدا محبوب تر از عبادت کردن بہ درگاہ او در ایام دہہ - یعنی دہہ [اول] ذی حجّہ - نیست:

أَوْهَنَّ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. وَالثَّانِيَّةُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، أَحَدًا صَمَدًا لَمْ

۹. متی، باب ۶، جملہ ۱۴-۱۵، باب ۱۱، جملہ ۲۵، باب ۲۶، جملہ ۵۳-۵۴؛ مرقس، باب ۱۱، جملہ ۲۳-۲۵، باب ۱۲،

جملہ ۲۶-۳۳؛ لوقا، باب ۱، جملہ ۳۷، باب ۱۲، جملہ ۲-۵؛ یوحنا، باب ۱، جملہ ۱۸، باب ۵، جملہ ۴۴ و ۲۹، باب ۱۱،

جملہ ۲۱-۲۲، باب ۱۷، جملہ ۳.

۱۰. البدایة والنہایة، ج ۲، ص ۹۰.

۱۱. الأمالی (صدوق)، ص ۲۰۴.

يَتَّخِذُ صَاحِبَةً وَلَا وُلْدًا. وَالثَّالِثَةُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، أَحَدًا صَمَدًا لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفْوًا أَحَدًا. وَالرَّابِعَةُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ لِي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. وَالخَامِسَةُ: حَسِبَى اللَّهِ وَكَفَى، سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَا، لَيْسَ وَرَاءَ اللَّهِ مُنْتَهَى، أَشْهَدُ لِلَّهِ بِمَا دَعَا، وَأَنَّهُ بَرِيءٌ مِمَّنْ تَبَرَّى، وَأَنَّ لِلَّهِ الْآخِرَةَ وَالْأُولَى.^{۱۲}

همچنین ادعیه عیسی علیه السلام برای شفای بیماران نیز نمونه‌ای از آموزه‌های توحیدی حضرت عیسی علیه السلام است که نمونه آن چنین است:

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْحَيُّ الْقَيُّومُ، الظَّاهِرُ الْمُنْظَرُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، الْكَبِيرُ الْمُتَعَالَى، الْمَنَّانُ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا.^{۱۳}

چنان که پیداست، این دعاها مشتمل بر طیف وسیعی از اسما و صفات الهی است.

تحلیل و ارزیابی

چنان که دیدیم، عبارات انجیل، حاوی وحدانیت خدا و بسیاری از صفات الهی است. همچنین روایات عیسی علیه السلام نیز در طیف وسیع‌تری بسیاری از افعال و صفات الهی را بیان کرده‌اند. اندیشمندان نیز معتقدند در عهد جدید نصی دال بر تثلیث وجود ندارد و تعبیری نظیر (پدر و پسر و روح القدس) برای کسی که با ذهن خالی با این‌ها برخورد می‌کند، چنین مفهومی را نمی‌آفریند و نمی‌تواند هزاران شاهد دیگر عهد عتیق و عهد جدید را در تأکید بر توحید مخدوش سازد؛ همان طور که کنار هم قرار گرفتن خدا و رسول و ملائکه در آیات قرآن مجید نشانه تثلیث نیست.^{۱۴}

کلمه تثلیث هرگز در کتاب مقدس مسیحیان وارد نشده است و نخستین کاربرد شناخته شده آن در تاریخ مسیحیت به سال ۱۸۰م، بازمی‌گردد. البته به تصور مسیحیان، ریشه‌های مفهوم سه‌گانگی در عهد جدید احساس می‌شود و عبارت اعطای حق تعمید در پایان انجیل متی، آن را صریحاً بیان کرده است:

ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس تعمید دهید.^{۱۵}

۱۲. الإقبال بالأعمال الحسنة، ج ۲، ص ۴۶.

۱۳. المصباح للكفعمي، ص ۳۹۹؛ مهج الدعوات، ص ۳۱۲.

۱۴. آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۸۴.

۱۵. همان، ص ۱۸۶.

بنابراین اعتقاد مسیحیان امروز، به نصوص حاوی وحدانیت خدا در انجیل ضربه نمی‌زند. همچنین روایات در چهار قالب عمده: تکلم عیسی علیه السلام در کودکی، مبارزه او با شیطان، ادعیه توحیدی، و دعای شفای بیماران، مؤید مطلب بوده و توحید را تبیین کرده و با ذکر صفاتی همچون یگانگی، بی نظیری در قدرت، نداشتن یار و یاور، بی نیازی به افراد و اشیاء والدین و همسر و فرزند، مالکیت آسمان‌ها و حیات و ممات، شنوایی و بینایی، لایتناهی بودن و...، علاوه بر همسویی با آموزه‌های توحیدی انجیل، راه تردید را بسته‌اند.

نبوت عیسی علیه السلام در انجیل

در انجیل با حذف موارد تکراری ۳۷ بار موضوع نبوت عیسی علیه السلام مطرح شده است. عیسی علیه السلام ضمن دعوی نبوت، به ابعاد رسالت، ضرورت تبلیغ خویش، تکمیل تورات و بشارت به ملکوت اشاره می‌کند. او خود را نبی خدا، پسرانسان، راه نجات، آب و نان حیات، تاک حقیقی، قیامت و حیات، نور جهان و پادشاه آخرت بیان می‌کند. عیسی علیه السلام هم از حضرت یحیی علیه السلام گواهی رسالت دارد و هم از جانب خداوند. او نبی خداست و افعال او گواه این امر است. ایشان پس از ملاقات یحیی علیه السلام و غسل تعمید، با آوازی از آسمان که می‌گفت: «توپسر حبیب من هستی و به تو خشنودم»، به پیامبری رسید. آنجا بود که نزول روح صورت گرفت و او پس از امتحان سخت و چهل روز روزه داری، موعظه مردم را آغاز کرد. رسالت او اختصاص به بنی اسرائیل داشت و تعلیمات خود را از جانب خدا می‌دانست. عیسی علیه السلام «عمل خدا» را، ایمان به فرستاده اش و دشمنی با او را دشمنی با خدا تلقی می‌کرد. مسیح علیه السلام بیش از هشتاد مرتبه در عهد جدید خود را «پسرانسان» نامید. همچنین او خود را راه نجات و شبان نیکو نامیده است.^{۱۶}

نبوت در روایات عیسوی

جایگاه مسیح علیه السلام در روایات عیسوی همچون جایگاه او در قرآن بسیار رفیع است. همچنان که او در انجیل مردم را به اتباع از خود فرا می‌خواند و خود را راه نجات معرفی می‌کرد، روایات عیسوی نیز او را منبع هدایت و علامت تقوی دانسته و تردید در نبوتش را کفر و بی‌ایمانی می‌دانند. از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

۱۶. متی، باب ۸، جمله ۲۰، ۱۰، جمله ۵-۶، باب ۲۱، جمله ۴۶، باب ۱۵، جمله ۲۱-۲۸، مرقس، باب ۱، جمله ۹-۱۴، باب ۲، جمله ۱۰، باب ۷، جمله ۲۴-۳۰، لوقا، باب ۳، جمله ۲۲، باب ۶، جمله ۵، یوحنا، باب ۱۳، جمله ۳۱، ۵، جمله ۲۸-۳۴ و ۳۶، باب ۷، جمله ۱۶، باب ۱۰، جمله ۷-۱۵، باب ۱۵، جمله ۲۳.

اتبعوا قول رسول الله ﷺ، وأقروا بما نزل من عند الله عز وجل، اتباعوا آثار الهدى، فإنها علامات الأمانة والتقى، واعلموا أنه لو أنكر رجل عيسى بن مريم وأقرب من سواه من الرسل لم يؤمن...^{۱۷}

امام صادق علیه السلام سرور پیامبران و رسولان اولوالعزم را - که سنگ آسیا (ی نبوت) بر محور آن‌ها می چرخد - نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد صلی الله علیه و آله دانسته و فاصله داوود تا عیسی علیه السلام را چهارصد سال بیان کرده و شریعت عیسی علیه السلام را بر پایه دعوت به یکتاپرستی و اخلاص و (دوری از هرگونه شرک) معرفی می‌کنند.^{۱۸} روایات نبوت عیسی علیه السلام چهار گونه‌اند:

۱. خطاب‌های خداوند به پیامبرش: «یا عیسی، أنت المسیح بامر...»^{۱۹}. گواهی‌های یحیی علیه السلام بر نبوتش. «... قال: یا روح الله...»^{۲۰}. گفتار معصومین علیهم السلام: «کان بین داود و عیسی بن مریم علیه السلام أربعمئة سنة»^{۲۱}. ۴۰۰. خطاب‌های حواریون و مردم: «لم یا رسول الله»^{۲۲} همچنین در روایات صفاتی همچون زنده کننده مردگان، رسول امین، آفریده گفتار خدا و نبی خدا وجود دارد.

روایات بر جنبه بشری عیسی علیه السلام نیز تأکید دارند. مسیح علیه السلام عبد خداست و خود را بنده فقیر خدا می‌داند که در همه چیز محتاج اوست و پیوسته می‌خواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ لَا أَسْتَطِيعُ رَفْعَ مَا أَكْرَهُ، وَلَا أَمْلِكُ نَفْعَ مَا أَرْجُو، وَأَصْبَحَ الْأَمْرُ بِيَدِ غَيْرِي، وَأَصْبَحْتُ مُرْتَهَنًا بِعَمَلِي، فَلَا فَقِيرَ أَفْقَرُ مِنِّي، لَا تُشِمِتْ بِي عَدُوِّي، وَلَا تُسِءْ بِي صَدِيقِي، وَلَا تَجْعَلْ مُصِيبَتِي فِي دِينِي، وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي.^{۲۳}

تحلیل و ارزیابی

به طور کلی از مجموع روایات عیسوی بیش از ۳۵۰ روایت درباره نبوت و زندگانی عیسی علیه السلام است که پس از موضوعات اخلاقی بیشترین اشتراک را با انجیل داراست. شباهت‌ها بیشتر در زمینه نبوت، زندگانی، زهد، معجزات، عبودیت و بندگی خدا هستند. انجیل نیز مشتمل بر عباراتی است که الوهیت عیسی علیه السلام را مردود می‌شمارد. در انجیل

۱۷. شرح الکافی-الأصول والروضة، ج ۸، ص ۱۴۶؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۱۲.

۱۸. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۷۵.

۱۹. الأملی (صدوق)، ص ۵۱۵.

۲۰. الأملی (مفید)، ص ۳.

۲۱. کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۱۷۵.

۲۲. الأملی (صدوق)، ص ۵۰۰.

۲۳. الزهد (ابن حنبل)، ج ۱، ص ۷۹.

عباراتی چون «پسرانسان»، «فرزند انسان» و ممنوع بودن غلودر مورد عیسی علیه السلام، راز و نیاز او با خدا برشؤون مختلف بندگی او دلالت می‌کند. عیسی علیه السلام ۳۷ مرتبه به صراحت بیان می‌کند که فرستاده، همکار و نماینده خداست.^{۲۴} بی‌اطلاعی او از زمان قیامت، نشان بندگی دارد.^{۲۵} روایات نیز همزمان دو شأن بندگی و پیامبری خدا را برای عیسی علیه السلام اثبات می‌کنند. داستان ولادت و خلقت او نیز به خوبی بر بندگی اش دلالت می‌کنند. شهادت عیسی علیه السلام بر قدرت بی‌منتهای خدا، اذعان به یگانگی او: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ»،^{۲۶} نفی الوهیت از خویش در مبارزه با شیطان، خضوع او در برابر پروردگار: «لَبَّيْكَ عَبْدُكَ ابْنُ أُمَّتِكَ لَبَّيْكَ»،^{۲۷} ادعیه توحیدی او مثل دعای دهه اول ذی الحججه و جنبه‌های مادی و بشری زندگانی وی همه و همه مؤید این مطلب هستند.

ابیونی‌ها و مسیحیان اولیه عیسی علیه السلام را تنها انسانی معمولی می‌دانستند که پسر مریم علیها السلام است. علمای مسیحیت در قرون بعدی تثلیث و الوهیت عیسی را وارد دینشان کردند.^{۲۸} برخی دانشمندان با بررسی متن اصلی انجیل به این نتیجه رسیدند که معتقدان تثلیث، انجیل را به گونه‌ای ترجمه کرده‌اند که با ادعای آنان در جایگاه مسیح موافق باشد.^{۲۹} در سال ۳۲۵ میلادی تمام اسقفان بزرگ مسیحی از سراسر امپراتوری در شهر نیکه جمع شدند تا به اختلاف الکساندر پاتریارک اسکندریه با آریوس اسقف لیبی درباره الوهیت یا بشر بودن عیسی علیه السلام خاتمه دهند که به نتیجه نرسید. سرانجام امپراتور در قضیه دخالت کرد و طرف قوی‌تر، یعنی الکساندر را گرفت و رسماً الوهیت و خداوندی عیسی علیه السلام تصویب و اعلام شد و او فرزند خدا دانسته شد.^{۳۰} پس از آن در سال‌های بعد، خدا بودن روح القدس، فرشته‌ای که روح را در حضرت مریم علیها السلام دمید، مطرح شد و در سال ۳۸۱ میلادی در شورای قسطنطنیه روح القدس هم خدا اعلام شد و به این ترتیب، تثلیث اصلی‌ترین آموزه اعتقادی مسیحیت

۲۴. متی، باب ۱۱، جمله ۲۷، باب ۲۶، جمله ۵۳؛ لوقا، باب ۴، جمله ۱۸-۱۹؛ یوحنا، باب ۵، جمله ۱۷-۴۷، باب ۶، جمله ۳۸-۴۰، باب ۱۲، جمله ۴۴-۴۵، باب ۱۳، جمله ۱۴؛ و رک: بررسی و نقد آموزه تجسد در مسیحیت، شماره ۲.

۲۵. متی، باب ۲۴، جمله ۳۷.

۲۶. تاریخ دمشق، ج ۴۷، ص ۳۷۷.

۲۷. الکافی، ج ۴، ص ۲۱۳-۲۱۲.

۲۸. درس‌نامه الهیات مسیحی، ص ۳۶۲.

۲۹. عیسی در قرآن و انجیل‌ها، ص ۲-۶۱.

۳۰. همان، ۵۶ تا ۵۸.

در قرن چهارم وارد این دین شد و سپس در شوراهاى بعدی نیز بر این مسأله تأکید می‌شود.^{۳۱} نکته مهم دیگری که در احادیث عیسوی وجود دارد، بشارت ظهور پیامبر اسلام ﷺ است که آیات متعدد قرآن نیز مؤید آن است.^{۳۲} به اعتقاد بسیاری از محققان این بشارت، با آیات انجیل یوحنا - که دلالت بر نوید ظهور پیامبر اسلام دارد - انطباق دارد.^{۳۳} برای نمونه قسمتی از طولانی‌ترین حدیث قدسی خداوند خطاب به عیسی عليه السلام اوصاف پیامبر اسلام عليه السلام را بیان می‌کند:

تُمْ اوصيكَ يَا بَنَ مَرِيَمَ الْبِكْرِ الْبَتُولِ بِسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ حَبِيبِي؛ فَهُوَ أَحْمَدُ صَاحِبِ الْجَمَلِ الْأَحْمَرِ، وَالْوَجْهَ الْأَقْرَبَ الْمَشْرِقِي بِالْتَّوَرِ الظَّاهِرِ الْقَلْبِ، الشَّدِيدِ الْبَأْسِ...^{۳۴}

معاد در انجیل

موضوع معاد در انجیل مورد توجه قرار گرفته است. انجیل از معاد با عنوان‌های حیات جاودانه، روز داوری، نشستن بر کرسی قضاوت، جلوه‌گاه عدل الهی، عالم آینده، زندگی در محضر پروردگار، روز جدایی خوبان از بدان، و خروج از قبرها و برخاستن در قیامت، جهنم و آتش، فردوس یاد شده است.^{۳۵}

معاد در روایات عیسوی

روایات عیسوی نیز در موضوع معاد از مفاهیم مشابه و متنوع‌تری برخوردارند. در این روایات از موضوعاتی همچون مرگ و سكرات آن، هشدار درباره آتش دوزخ، قبر و عذاب آن، برخاستن قیامت، هراس آن روز، آماده شدن برای حساب، نامه اعمال و حسابرسی روز جزا سخن گفته‌اند. برای نمونه عیسی عليه السلام درباره یاد مرگ می‌فرمود:

إِنَّ الدَّابَّةَ إِذَا لَمْ تُرْتَكَبْ وَلَمْ تُمْتَهَنْ وَتُسْتَعْمَلْ لَتَصْعَبُ وَتَتَغَيَّرُ خَلْقُهَا؛ وَكَذَلِكَ الْقُلُوبُ إِذَا لَمْ تُرْفَقْ ذِكْرَ الْمَوْتِ وَتَتَّبِعَهَا دُؤُوبُ الْعِبَادَةِ تَقْسُو وَتَغْلُظُ.^{۳۶}

همچنین از دوزخ، اوصاف، اهل و آتش پرشعله و اندوه‌فزای آن یاد شده و رستگار کسی

۳۱. یهودیت، مسیحیت و اسلام، ج ۲، ص ۴۶۲-۴۶۹.

۳۲. از جمله آیه شش سوره صف.

۳۳. یوحنا، باب ۱۵، جمله ۲۶-۲۸، باب ۱۶، جمله ۶-۸، و جمله ۱۳-۱۷ و باب ۱۴، جمله ۱۶-۱۸.

۳۴. الکافی، ج ۸، ص ۱۳۹.

۳۵. متی، باب ۱۲، جمله ۳۵-۳۷، باب ۱۳، جمله ۴۹، باب ۱۹، جمله ۲۷-۳۰؛ مرقس، باب ۹، جمله ۴۳، باب ۱۰، جمله ۲۸؛ لوقا، باب ۱۰، جمله ۲۵-۲۸، باب ۲۰، جمله ۳۴-۳۸، باب ۲۳، جمله ۴۲-۴۳؛ یوحنا، باب ۵، جمله ۲۸-۲۹،

باب ۶، جمله ۳۹-۴۰.

۳۶. تحف العقول، ص ۵۰۶.

است که از آن نجات یابد. خداوند عیسی علیه السلام را بر حذر داشته و می فرماید:

يا عيسى، اهْرَبْ إِلَى مَع مَنْ يَهْرُبُ مِنْ نَارِ ذَاتِ هَبِّ، وَنَارِ ذَاتِ أَغْلَالٍ وَأَنْكَالٍ، لَا يَدْخُلُهَا رَوْحٌ، وَلَا يَخْرُجُ مِنْهَا غَمٌّ أَبَدًا، قَطَعَ كَفَطَعَ اللَّيْلُ الْمُظْلِمِ، مَنْ يَنْجُ مِنْهَا يَفُزْ، وَلَنْ يَنْجُوَ مَنْ كَانَ مِنَ الْهَالِكِينَ، هِيَ دَارُ الْجَبَّارِينَ وَالْعَتَاةِ الظَّالِمِينَ، وَكُلَّ فَظٍّ غَلِيظٍ، وَكُلِّ مُحْتَالٍ فَخُورٍ. يا عيسى، بِسَّتِ الدَّارُ لِمَنْ رَكَنَ إِلَيْهَا، وَبِئْسَ الْقَرَارُ دَارَ الظَّالِمِينَ، إِنِّي أَخَذَرْتُ نَفْسَكَ، فَكُنْ بِي حَبِيرًا.^{۳۷}

عیسی علیه السلام خود در هشدار به قیامت می فرمود:

وَيَلْكُمْ يَا عِبِيدَ السَّوَاءِ! كَيْفَ تَرْجُونَ أَنْ يُؤْمِنَ بِكُمْ اللَّهُ مِنْ فَرْعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَأَنْتُمْ تَخَافُونَ النَّاسَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ.^{۳۸}

و در طلب بهشت نیز فرمود:

أَكَلُ الشَّعِيرِ مَعَ الرَّمَادِ وَالتُّومُ عَلَى الْمَرْابِلِ مَعَ الْكِلَابِ، لَقَلِيلٍ فِي ظَلَبِ الْفِرْدَوْسِ.^{۳۹}

همچنین روایات مانند انجیل به وقایع آخر الزمان، دجال و فتنه های او اشاره کرده اند. بر اساس روایات عیسی علیه السلام در آخر الزمان بازمی گردد و در نماز به حضرت مهدی (ج) اقتدا کرده و در برپایی حکومت عدل الهی با ایشان همراهی می کند. از امام باقر علیه السلام نقل شده است که:

القَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ، مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ، تُطْوَى لَهُ الْأَرْضُ وَتُظْهِرُ لَهُ الْكُنُوزُ، يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ، وَيُظْهِرُ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ بِهِ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عَمِرَ، وَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى - بِنِ مَرْيَمَ علیه السلام فَيُصَلِّي خَلْفَهُ.^{۴۰}

تحلیل و ارزیابی

انجیل با حذف مکررات یازده بار درباره معاد سخن رانده است، اما روایات عیسوی ۳۵ مرتبه در این باب سخن گفته اند. هر دو منبع به حیات اخروی اعتقاد داشته و بر اساس آن ها مردگان برای داوری و حساب، از قبر برمی خیزند و دوزخیان با اعضا و جوارح وارد جهنم شده و بهشتیان از انواع نعمت های مادی و معنوی متنعم می شوند، اما دایره مفهومی معاد در روایات وسیع تر بوده و تصویر محسوس تری از مرگ، عالم قبر، قیامت و بهشت و جهنم وجود

۳۷. الکافی، ج ۱۵، ص ۳۲۷.

۳۸. تحف العقول، ص ۵۰۵.

۳۹. البداية والنهاية، ج ۲، ص ۹۰؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۷، ص ۴۴۴.

۴۰. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۳۱.

دارد و احادیث عیسوی اشتیاق عجیبی برای برخورداری از حیات نیکو و جاودانه اخروی برمی‌انگیزند.

همچنین دو سنت (مسیحی - اسلامی) درباره وقایع آخرالزمان و برخی حوادث دهشتناک آن، و نزول و بازگشت عیسی علیه السلام در آن هنگام دیدگاه مشترک دارند. در انجیل، با حذف مکررات، قریب به نه موضع در مورد صعود عیسی علیه السلام به آسمان و نزول دوباره او بحث شده است؛ حال آن‌که این عدد در روایات عیسوی به ۵۶ مورد می‌رسد؛ با این تفاوت که بر خلاف استنباط مسیحیان از عهد جدید مبنی بر فرمانروایی، پادشاهی و تشکیل حکومت توسط این پیامبر الهی در آخرالزمان، او در آن هنگام نقش هدایت پیروان خود و جهانیان در یاری امام دوازدهم شیعیان یعنی امام مهدی علیه السلام را به عهده خواهد گرفت و پشتیبان آخرین حجت خدا در آخرالزمان و پیرو دین اسلام است.

آموزه‌های اخلاقی در تعالیم انجیل

بخش مهمی از آموزه‌های مشترک انجیل و روایات عیسوی به اخلاق اختصاص یافته است. به طور کلی تعالیم اخلاقی حضرت عیسی علیه السلام در انجیل به سه دسته قابل تقسیم‌اند:

۱. فضایل اخلاق فردی، ۲. فضایل اخلاقی اجتماعی، ۳. رذایل اخلاقی.
- فضایل اخلاق فردی: شامل، ایمان به خدا، توبه، دعا، اخلاص در عمل، تهذیب نفس، پرهیز از دنیا طلبی و ثروت‌اندوزی می‌شود؛ به عنوان نمونه، مسیح علیه السلام درباره اخلاص در عمل می‌فرمود:

چون صدقه دهی دست چپ تو از آنچه دست راستت می‌کند مطلع نشود... و چون عبادت کنی مانند ریاکاران مباش؛ زیرا خوش دارند که در کنایس یا در گوشه‌های کوچکی ایستاده نماز گزارند تا مردم ایشان را ببینند... اما چون روزه دارید، مانند ریاکاران ترشو مباشید.^{۴۱}

عیسی علیه السلام سلطه مال بر قلب انسان را منفور می‌دانست. او با اشاره به بتی به نام مَمونا - که مظهر خدای ثروت بود - گفت:

کسانی که در پی کسب مال و ثروت‌اند، در حقیقت بت پرستند و نیرو، فکرو قلبشان در اختیار آن بت خواهد بود و خدا در قلب آنان جایی نخواهد

۴۱. متی، باب ۶، جمله ۱-۱۸.

داشت. ۴۲

فضایل اخلاق اجتماعی: شامل محبت به مردم، احترام به حق برادر و والدین، محبت به دشمن، خدمت به خلق، عفو و گذشت و صدقه می شود. در انجیل گذشت از خطای برادر و مدارا با او فضیلت محسوب شده و حق او مقدم بر قربانی برای خداست و بزرگ ترین مردم خادمان آن ها هستند. ۴۳

پرهیز از رذایل اخلاقی: عیسی علیه السلام می فرماید:

هر که گناه می کند غلام گناه است. ۴۴

در انجیل کذب، ریا، نگاه حرام، خیانت، تکبر و خودبینی از رذایل اخلاقی شمرده شده است. همچنین انسان از قتل، خشم به برادر، توهین به اشخاص و نسبت ناروا، حق الناس، تجاوز به حقوق دیگران منع شده است. در انجیل بزرگ ترین نجس، گناه است؛ زیرا موجب فسق و فجور و دزدی و زنا می گردد. ۴۵

آموزه های اخلاقی در روایات عیسوی

روایات اخلاقی مسیح علیه السلام نیز همچون انجیل به سه دسته اخلاق فردی و اجتماعی و پرهیز از رذایل اخلاقی قابل تقسیم است:

آموزه های اخلاق فردی روایات: شامل خودشناسی، تشویق به تفکر، ایمان و یقین به خدا، محبت خدا، یاد او، نزدیکی به او با نوافل و توکل، حیا از خدا، ترس از او و گریستن برای او، سپاسگزاری، عبادت، دعا، اخلاص، توکل، صبر، محاسبه نفس، نفرت از گناه پیشگان، حفظ زبان، انفاق در راه خدا، احسان، توبه و استغفار، آمادگی برای مرگ، بردباری، تلاش برای ملکوت، ترک خواهش های نفسانی، مبارزه با شیطان، قناعت، اهمیت دانش و حکمت می شود. در این زمینه همچون انجیل روایات عیسوی به اخلاص در صدقه، روزه داری، نماز خواندن سفارش می کنند و عیسی علیه السلام می فرماید:

إِذَا تَصَدَّقَ أَحَدُكُمْ فَلْيُعْطِ بِيَمِينِهِ وَلْيُخْفِ مِنْ شِمَالِهِ، وَإِذَا كَانَ يَوْمَ صَوْمِ أَحَدِكُمْ فَلْيُدْهِنْ أَوْ لِيَمْسَحْ شَفْتَيْهِ مِنْ دُهْنِهِ حَتَّى يَنْظُرَ إِلَيْهِ النَّاطِرُ فَلَا يَرِي أَنَّهُ صَائِمٌ، وَإِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ

۴۲ رک: زندگی عیسی نجات دهنده ما به انضمام ارزش های تاریخی انجیل های چهارگانه، ص ۶۲.

۴۳ متی، باب ۵، جمله ۲۱-۲۶، باب ۲۰، جمله ۲۵-۲۸؛ مرقس، باب ۱۰، جمله ۴۲-۴۵.

۴۴ یوحنا، باب ۸، جمله ۳۴.

۴۵ متی، باب ۱۵، جمله ۱۱-۲۰.

فِي بَيْتِهِ فَلْيُخَفِّ عَلَيْهِ سِتْرَهُ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يُقَسِّمُ الشَّأْنَ كَمَا يُقَسِّمُ الرِّزْقَ.^{۴۶}

اخلاق اجتماعی: نیز شامل محبت و مهربانی به مردم، نیکی به پدر و مادر، نگرش مثبت به مخلوقات، خدمت به عالم، پرهیز از همنشین بد، تواضع و فروتنی، آمادگی برای دشمنی مردم، امر به معروف و نهی از منکر، ستم ستیزی، غنیمت شمردن فرصت، خوردن از دسترنج خود، حلال خواری، حفظ زبان، آموزش حکمت به شایستگان، همنشینی با نیکوکاران، ترک دنیا دوستی می‌شود. برای نمونه در این زمینه عیسی علیه السلام می‌فرمود:

طُوبَى لِمُتْرَاجِمِينَ، أُولَئِكَ هُمُ الْمَرْحُومُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.^{۴۷}

رذایل اخلاقی: شامل دنیادوستی، مال اندوزی، بدگمانی به خدا، بدگمانی به مردم، نفاق، خشم، حرص، بخل، عیب جویی از دیگران، خودپسندی، دروغ، پرخوری، آزاررسانی، عمل نکردن به علم خود می‌شود. عیسی علیه السلام در تأثیر مخرب گناه فرموده است:

لَوْ صَلَّيْتُمْ حَتَّى تَصِيرُوا مِثْلَ الْحَنَآيَا، وَصَلَّيْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا أَمْثَالَ الْأَوْتَادِ، وَجَرَى مِنْ أَعْيُنِكُمْ الدَّمُوعُ أَمْثَالَ الْأَمْهَارِ، مَا أَدْرَكْتُمْ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِوَرَعٍ صَادِقٍ.^{۴۸}

در نگاه کلی با وجود پراکندگی روایات اخلاقی عیسی علیه السلام در گستره زمان و منابع متعدد، آن‌ها از ساختاری نظام مند برخوردار بوده و بر چهار محور خودشناسی، خداشناسی، جهان شناسی و آخرت محوری استوارند. عیسی علیه السلام درباره خودشناسی می‌فرمود:

لَيْسَ يَعْرِفُنِي مَنْ لَا يَعْرِفُ نَفْسَهُ...^{۴۹}

در جهان شناسی، دنیا محل عبادت و بندگی است:

عَلَيْكُمْ بِعِبَادَةِ رَبِّكُمْ، فَإِنَّكُمْ خُلِقْتُمْ لَهَا.^{۵۰}

در خداشناسی والاترین فضیلت، عشق و محبت خداست:

لَا يُطِيقُ عَبْدٌ أَنْ يَكُونَ لَهُ رَبَّانٍ، إِنْ أَرْضَى أَحَدَهُمَا أَسَخَطَ الْآخَرَ، وَإِنْ أَسَخَطَ أَحَدَهُمَا أَرْضَى الْآخَرَ؛ وَكَذَلِكَ لَا يُطِيقُ عَبْدٌ أَنْ يَكُونَ خَادِمًا لِلدُّنْيَا يَعْمَلُ عَمَلَ الْآخِرَةِ.^{۵۱}

۴۶. المصنّف (عبد الرزاق)، ج ۴، ص ۳۱۳.

۴۷. تحف العقول، ص ۵۰۱؛ بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۳۰۴.

۴۸. الورع (ابن ابی الدنيا)، ص ۴۹، ح ۲۲.

۴۹. آداب النفس، ج ۲، ص ۲۱۳.

۵۰. الدر المنثور، ج ۲، ص ۳۲.

۵۱. تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۷، ص ۴۴۵.

آخرت گرایی: مبنای عمل اخلاقی و عامل انگیزشی در التزام به اعمال اخلاقی اعتقاد به جهان آخرت است. ایشان می فرمود:

إِنَّ الدُّنْيَا خُلِقَتْ مَرْزَعَةً تَزْرَعُ فِيهَا الْعِبَادُ الْحُلُوقَ وَالْمَرْوَ وَالشَّرَّ وَالْحَيْرَ وَالْحَيْرُ لَهُ مَغَبَّةٌ نَافِعَةٌ
يَوْمَ الْحِسَابِ، وَالشَّرُّ لَهُ عِنَاءٌ وَشِقَاءٌ يَوْمَ الْحِصَادِ.^{۵۲}

تحلیل و ارزیابی

انجیل مجموعاً به نود موضوع اخلاقی پرداخته است. در مقابل آن، از بیش از ۱۱۰۰ روایت، با احتساب ۶۹ روایت که به کسب دانش و حکمت توصیه می کنند، حداقل ۶۰۵ روایت عیسوی، یعنی حدود نیمی از آن ها حاوی آموزه های اخلاقی هستند. از این رو بیشترین تراکم و فراوانی روایات عیسوی اختصاص به اخلاقیات دارد. همچنین بیشترین شباهت در روایات و انجیل مختص موضوعات و آموزه های اخلاقی است که موارد زیر از آن ها منتج می شود.

۱. اخلاق فصل مشترک اسلام و مسیحیت است و هر دو دین بیشترین اشتراک را در زمینه اخلاق دارند.

۲. اسلام و مسیحیت هر دو اخلاق گرا و فضیلت محور هستند و رسالت مهم ادیان اسلام و مسیحیت پس از اعتقاد به خدا و پیامبران بزرگ گسترش فضایل اخلاقی در جامعه است.

۳. اخلاق و آداب عیسی علیه السلام زمینه مناسب گفتمان دینی اسلامی مسیحی و جذب مخاطبان است. شرایط اجتماعی مردم عصر عیسی علیه السلام و پیامبر اسلام و نزدیکی زمانی آن ها نسبت به یکدیگر نشان دهنده ضرورت تعلیم اخلاق و حکمت در آن زمان و جایگاه ممتاز آن در هر دو دین است.

۴. اگر چه عیسی علیه السلام آخرین پیامبر بنی اسرائیل و منجی دین یهود بود، اما سبک زندگی اخلاق مدار، زاهدانه و عاقبت گرایانه او الگوی مناسبی برای عموم یهودیان، مسیحیان و مسلمانان است.

۵. اسلام نه تنها ادیان الهی را مردود نمی شمارد، بلکه از زمینه های مشترک برای رشد ارزش های الهی بهره می گیرد.

۵۲. تحف العقول، ص ۵۰۱؛ بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۳۱۴.

احکام در انجیل و روایات عیسوی

مجموعه‌ای از اعمال و مناسک عبادی و عملی که پیشوایان الهی برای سعادت بشر آورده و برخوردار از مصالح دنیوی و اخروی هستند احکام نامیده می‌شوند. پیامبران در ترویج و تاسیس احکام یکسان نبوده و برخی همچون عیسی علیه السلام قوانین جدیدی نیاورده و ادامه دهنده و تکمیل کننده تعالیم انبیای پیشین بوده‌اند. مسیح علیه السلام جز اندکی تغییرات، حکم جدیدی نیاورد و همواره بر شریعت موسی علیه السلام تأکید می‌کرد.^{۵۳}

اگرچه امروزه هفت آیین: تعمید، تأیید، عشای ربانی، اعتراف، تدهین، دست‌گذاری و ازدواج مسیحی از مهم‌ترین آیین‌های کلیساست، اما اناجیل با کلید واژه‌های مشترک، شباهت‌هایی از شریعت مسیح علیه السلام با روایات همچون نماز، روزه، ازدواج، قصاص و حرمت قتل، زنا، نگاه حرام، شهادت دروغ را به تصویر می‌کشند. برای نمونه در روایت آمده است:

إِيَّاكَ وَالزَّيْنَةَ، فَإِنَّهُ مِنْ غَضَبِ الرَّبِّ، وَإِنَّمَا يُشِيرُ النَّظَرُ وَالشَّهْوَةُ وَإِتِّبَاعُهُمَا، وَلَا تَكُونَنَّ حَدِيدَ النَّظَرِ إِلَى مَا لَيْسَ لَكَ، فَإِنَّهُ لَنْ يَزِنِي فَرَجُكَ مَا حَفِظْتَ عَيْنَكَ، وَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَلَّا تَنْظُرَ إِلَى تَوْبِ الْمَرْأَةِ الَّتِي لَا تَحِلُّ لَكَ فَافْعَلْ، وَلَا تَسْتَطِيعَ ذَلِكَ إِلَّا بِاللَّهِ.^{۵۴}

همچنین متن این حدیث کاملاً مشابه انجیل است:

إِنَّ مُوسَى علیه السلام كَانَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ لَا تَحْلِفُوا بِاللَّهِ كَاذِبِينَ، وَأَنَا أَقُولُ: لَا تَحْلِفُوا بِاللَّهِ صَادِقِينَ وَلَا كَاذِبِينَ، وَلَكِنْ قُولُوا: لَا، وَنَعَمْ.^{۵۵}

براین اساس، با وجود اشتراکات یاد شده، هیچ‌کدام از انجیل و روایات به جزئیات مسائل ورود نکرده و بیشتر با نگاه اخلاقی بدان پرداخته‌اند. عیسی علیه السلام نیز در انجیل رسالت خود را ابطال تورات و صحف انبیا نمی‌داند، بلکه ضمن تأیید کامل تورات، وظیفه خود را تکمیل و اجرای احکام آن می‌داند.^{۵۶} همچنین امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

... وَ أُنْزِلَ عَلَيْهِ فِي الْإِنْجِيلِ مَوَاعِظٌ وَأَمْثَالٌ وَ حُدُودٌ لَيْسَ فِيهَا قِصَاصٌ وَلَا أَحْكَامٌ حُدُودٍ، وَلَا فَرُوضٌ مَوَارِيثٍ.^{۵۷}

بنابراین انجیل و روایات، اشتراک احکام ندارند و تأکید بر نماز و روزه و موارد نهی شده،

۵۳. متی، باب ۵، جمله ۱۷-۱۹؛ لوقا، باب ۲۴، جمله ۴۴-۴۵.

۵۴. نوادر الاصول، ج ۳، ص ۱۸۱.

۵۵. النوادر، ص ۵۱.

۵۶. متی، باب ۵، جمله ۱۷-۱۸.

۵۷. کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۱۷۵.

نقش این قوانین و ضرورت آن‌ها در ارتقای معنوی جامعه بشری و بهبود حیات دنیوی و اخروی در همه ادیان الهی را می‌رساند.

تشابه انجیل در ادبیات

از دیگر سؤالاتی که در مطالعه تطبیقی روایات و اناجیل مطرح می‌شود، میزان تشابه ادبی آن‌ها با انجیل است؛ زیرا در مقام مقایسه این سؤال به وجود می‌آید که: آیا هیچ شباهت ادبی بین گزاره‌های انجیل و روایات وجود دارد یا این دو از یکدیگر متفاوت‌اند؟

در پاسخ به این پرسش با بررسی‌های انجام شده چهار گونه روایت وجود دارد:

الف. روایاتی که کاملاً از نظر موضوع و محتوی مشابه انجیل‌اند.

ب. روایاتی که در موضوع مشابه اما در متن متفاوت‌اند.

ج. روایاتی که از نظر موضوعی مشابه اما مفصل‌ترند.

د. روایاتی که در انجیل وجود نداشته و مضامین جدیدی دارند.

در پاسخ باید گفت با وجود این‌که هر دو سنت، موضوعات مشابه مورد بحث کم ندارند، اما جز در اندکی موارد، محتوای عبارات یکسان نیست و روایات عیسوی با ادبیاتی متفاوت و مشروح‌تر از انجیل به موضوع پرداخته‌اند. البته عمده این روایات طولانی نیستند، اما با بیان شیوا و تمثیلات کوتاه حاوی حکمت‌های عمیقی هستند. شاهد آن‌که با تحقیقات به عمل آمده، از مجموع روایات عیسوی تنها قریب ۲۵ روایت از نظر متن کاملاً مشابه انجیل هستند. همچنین روایاتی که در آن‌ها عبارت «مکتوب فی الانجیل» یا «فی الانجیل» به کار رفته، بیشتر از این تعداد نیستند. بدیهی است این مطلب بیان‌گر و حیانی بودن منشأ روایات معصومان علیهم‌السلام و عدم اقتباس آن‌ها از اناجیل است؛ حتی این ادعا که معصومان علیهم‌السلام آن‌ها را از اناجیل دیگری نقل کرده‌اند، قابل اثبات نیست؛ زیرا با توجه به تحقیقات انجام شده در روایات عیسوی، چنین ادعایی درباره پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه معصوم علیهم‌السلام تأیید نمی‌شود و دلیل دیگر، این‌که روایات معصومان علیهم‌السلام مشتمل بر سخنان بی‌واسطه خدا با عیسی علیه‌السلام یا همان احادیث قدسی است که در هیچ جای انجیل یافت نمی‌شود.

بنابراین روایات عیسوی ضمن همسویی با انجیل، در بسیاری از موارد، با تفصیل، یک‌نواختی و شیوایی خود نقش مهمی در تبیین زوایای پنهان زندگی و سیره عیسی علیه‌السلام ایفا می‌کنند. البته بعید نیست برخی افراد، تفصیلات و تفاوت با اناجیل را حمل بر جعلی و ساختگی بودن روایات کنند، اما این عقیده تأیید نمی‌شود؛ زیرا با توجه به شباهت‌های

موجود این حجم از روایات با انجیل و پشتوانه‌های قرآنی آن‌ها، نمی‌توان فی الجمله و بدون بررسی سندی اعتبار همه آن‌ها را مخدوش اعلام کرد؛ مضاف بر آن‌که اعتبار اسناد و مدارک اناجیل و صحت و سقم آن‌ها نیز قابل بررسی است.

نتیجه‌گیری

از این مقاله نتایج زیر به دست می‌آید.

۱. با توجه به بررسی‌های انجام شده، بین روایات عیسوی و اناجیل متی، مرقس، لوقا و یوحنا، شباهت‌های زیادی وجود دارد و اشتراکات آموزه‌ها به لحاظ آماری از اختلافات آن‌ها بیشتر است.
۲. بیشترین شباهت‌ها در اعتقادات و اخلاق است که بیان‌گر اشتراکات و حیانی رسالت انبیاست.
۳. انجیل و روایات به احکام شریعت عیسی علیه السلام نپرداخته‌اند و از نظر آماری وجه اشتراکی در این میان یافت نمی‌شود.
۴. اعتقاد به وجود خدا و نبوت، اصل اساسی هر دو سنت بوده و اعتقاد به معاد لازمه انگیزشی عبادات و اعمال صالح است.
۵. اشتراک روایات و اناجیل به معنای شباهت کامل محتوایی آنان و یا اقتباس معصومین از اناجیل نیست، بلکه این شباهت‌ها بیشتر از جهت مبانی عقیدتی و اخلاقی است تا گزاره‌های ادبی.
۶. از نظر فراوانی، بیشترین روایات عیسوی در زمینه اخلاق صادر شده و بیشترین اشتراکات مربوط به اخلاقیات است که بیان‌گر اهمیت اخلاق در دودین است. بنابراین بهترین زمینه ایجاد گفتمان آیینی، موضوعات اخلاقی است.
۷. عیسی علیه السلام پیامبر زهد و اخلاق است و در بسیاری از موارد الگویی مناسبی برای زندگی اخلاقی مسلمانان است.
۸. با وجود اشتراکات موضوعی روایات و انجیل، گزاره‌های کاملاً همسان ناچیز بوده و روایات، اطلاعات افزون‌تری می‌دهند. این مسأله، ضمن نفی اقتباس روایات عیسوی از اناجیل نشان می‌دهد، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و دیگر معصومان علیهم السلام با توجه به علم الهی و رسالت خود در تفسیر قرآن، نقش مهمی در تبیین زوایای مختلف زندگانی عیسی علیه السلام ایفا کرده‌اند و با توجه به این نقطه قوت، مسیحیان می‌توانند با بهره‌گیری از آن‌ها به بسیاری از زوایای پنهان

زندگی مسیح و آموزه‌هایش دست یابند و در تبیین و تفسیر ابهامات موجود از روایات بهره‌مند شود.

کتابنامه

- قرآن کریم
- کتاب مقدس
- *البدایة والنهایة*، اسماعیل ابن عمر الدمشقی (ابن کثیر). تحقیق: علی شیری، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- *آداب النفس*، محمد بن محمد العینائی، تحقیق: السید کاظم الموسوی المیاموی، طهران: المکتبه المرتضویه، ۱۳۸۰ ق.
- *آشنایی با ادیان بزرگ*، حسین توفیقی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی و قم: مؤسسه فرهنگی طه و مرکز جهانی علوم اسلام جامعه المصطفی الاعلمیة، پانزدهم، ۱۳۹۱ ش.
- *الاقبال بالاعمال الحسنه فیما یعمل مره فی السنه*، رضی الدین عبد الکریم علی بن موسی الحللی (السید بن طاووس)، تحقیق: جواد القیومی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، اول، ۱۴۱۴ ق.
- *الأمالی*، محمد بن محمد مفید، قم: کنگره شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ ق.
- *الامالی*، محمد بن علی بن بابویه القمی (الشیخ الصدوق). قم: مؤسسه البعثه، اول، ۱۴۱۴ ق.
- *الانجیل بروایه المسلمین*، طریف الخالیدی، بیروت: دارالنهار، الطبعة الاولى، ۲۰۰۳ م.
- *بحار الأنوار*، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بیروت: دوم، ۱۴۰۳ ق.
- *تاریخ دمشق (تاریخ مدینه دمشق)*، علی بن الحسن هبه الله الدمشقی (ابن عساکر)، تحقیق: علی شیری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
- *تحف العقول*، حسن بن علی ابن شعبه حرانی، قم: موسسه النشر الاسلامی، دوم، ۱۳۶۳ ق.
- *حکمت نامه عیسی بن مریم علیه السلام*، محمد محمدی ری شهری، قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، دوم، ۱۳۹۲ ش.
- *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، جلال الدین سیوطی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.

- درسنامه الهیات مسیحی، آلیستر مک گراث، ترجمه: بهروز حدادی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴ ش.
- الروایات حول المسيح بين السنه والشیعه، مهدی منتظرالقائم، المركز الاعلمی للتقريب بين المذاهب الاسلامیه، ۱۳۸۴ ش.
- الزهد، احمد بن محمد الشیبانی (ابن حنبل)، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ق.
- زندگی عیسی نجات دهنده ما به انضمام ارزش‌های تاریخی انجیل‌های چهارگانه، ژاک ژومیه، کانون یوحنا ی رسول، بی‌جا، ۱۹۷۴ م.
- شرح الکافی - الأصول والروضه، محمد صالح بن احمد مازندرانی، تهران: المکتبه الاسلامیه، اول، ۱۳۸۲ ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، اول، ۱۴۰۷ ق.
- کتاب التفسیر، محمد بن مسعود عیاشی، تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ق.
- کمال الدین و تمام النعمه، محمد بن علی ابن بابویه، تهران: اسلامیه، دوم، ۱۳۹۵ ق.
- المصباح (جنة الأمان الواقیه)، ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، قم: دارالرضی (زاهدی)، ۱۴۰۵ ق.
- المصنف، عبد الرزاق بن همام الصنعانی، تحقیق: حبیب الرحمان الاعظمی، بیروت: منشورات المجلس العلمی.
- مهج الدعوات و منهج العبادات، رضی الدین عبدالکریم علی بن موسی الحللی (السید ابن الطاووس) تحقیق: کرمانی، ابوطالب و محرر، محمد حسن، قم: دارالذخائر، اول، ۱۴۱۱ ق.
- نوادر الاصول فی معرفه احادیث الرسول، محمد بن علی ترمذی، بیروت: دار الجیل، بی‌تا.
- النوادر (للأشعری)، احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی، قم: چاپ: اول، ۱۴۰۸ ق.
- الورع، عبدالله بن محمد القرشی (ابن ابی الدنیا)، تحقیق: مسعد عبدالحمید السعدی، قاهره: مکتبه القرآن.
- یهودیت، مسیحیت و اسلام، اف، ای، پیترز، مترجم: حسین توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴ ش.
- «بررسی و نقد آموزه تجسد در مسیحیت»، محمد کاظم رضازاده جودی، حکمت و فلسفه، سال دهم، شماره ۲.
- «عیسی در روایات الکافی در مقایسه با عیسی در مسیحیت»، محمد کاظم شاکر، علوم حدیث، بهار ۱۳۸۸ ش، شماره ۵۱.